



سنت عذرخواهی
پژشکیان از مردم معذرت‌خواهی کرد



از صدا افتاده
درباره ابی لیتلز



محروم از عفو
تتلو عفو نشد



از توافق تا ترور

همزمان با توافق ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی
اسرائیل برای ترور سران حماس به خاک قطر حمله کرد
سازندگی به بررسی این دو اتفاق پرداخته است

سازندگی: در حاشیه نشست منطقه‌ای در قاهره، ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به توافقی تازه دست یافتند که هدف آن افزایش شفافیت در فعالیت‌های هسته‌ای ایران و کاهش تنش‌های دیپلماتیک با غرب است. این توافق شامل دسترسی‌های بیشتر بازرسان آژانس به تأسیسات هسته‌ای و تعهد ایران به پاسخ‌گویی درباره ذرات اورانیوم کشف

شده در مکان‌های اعلام نشده، می‌شود. مقامات ایرانی این توافق را گامی در جهت اعتمادسازی و جلوگیری از تحریم‌های بیشتر دانسته‌اند، در حالی که آژانس آن را فرصتی برای احیای همکاری‌های فنی و نظارتی ارزیابی کرده است. در همین حال تجمع اعتراضی مردمی و دانشجویی علیه بازگشت بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی عصر

پنج‌شنبه ۲۰ شهریور مقابل دفتر شورای عالی امنیت ملی برگزار شد. اما در حالی که دیپلماسی در مصر به پیش می‌رفت، منطقه با شوکی امنیتی مواجه شد؛ حمله هوایی اسرائیل به یک پایگاه نظامی در قطر که به گفته منابع اسرائیلی محل فعالیت سران حماس بوده است. این حمله که با محکومیت شدید قطر و کشورهای اسلامی

و عربی همراه شد، تنش‌ها را در خلیج فارس افزایش داده و نگرانی‌ها درباره گسترش دامنه درگیری‌ها به کشورهای همسایه را بالا برده است. هم‌زمانی این دو رویداد، تصویری پیچیده از وضعیت ژئوپلیتیک خاورمیانه ارائه می‌دهد؛ جایی که دیپلماسی و درگیری در کنار هم نفس می‌کشند.

۱ صفحه‌های ۲ و ۳ را بخوانید



سرمقاله

فترت‌سیم

از تجربه و الگوی چین
برای رابطه و تجارت با آمریکا استفاده کنیم



سیدحسین مرعشی

دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران

کشورمان ایران با وجود پتانسیل‌های بالقوه در شرایط کنونی در مقوله تجارت و دادوستد با جهان متأسفانه در شرایط نسبتاً ضعیفی قرار دارد. بگذارید حکایت کوتاهی از گلستان سعدی باب سوم در فضیلت قناعت در شماره ۲۱ را برایتان بخوانم. «بازرگانی را شنیدم که ۱۵۰ شتر، بار داشت و ۴۰ بنده خدمتکار. شبی در جزیره کیش مرا به حجره خویش درآورد. همه شب نیارمید از سخن‌های پریشان گفتن که: فلان آنبازم به ترکستان و فلان بضاعت به هندوستان است و این قبالة فلان زمین است و فلان چیز را فلان، ضمین. گاه گفتی: خاطر اسکندرته دارم که هوایی خوش است. باز گفتی: نه! که دریای مغرب مشوش است. سعید! سفری دیگرم در پیش است. اگر آن کرده شود، بقیت عمر خویش به گوشه بنشینم. گفتم: آن کدام سفر است؟ گفت: گوگرد پارسی خواهیم بردن به چین که شنیدم، قیمتی عظیم دارد و از آنجا کاسه چینی به روم آرم و دیبای رومی به هند و فولاد هندی به حلب و آبگینه حلبی به یمن و بُردی بمانی به پارس و زآن پس، ترک تجارت کنم و به دگانی بنشینم. انصاف، از این ماخلوبیا چندان فرو گفت که پیش طاقت گفتنش ننماد! گفت: ای سعدی! تو هم سخنی بگویی از آنها که دیده‌ای و شنیده. گفتم: «آن شنیدستی که در آقصای عُور/ بارسالاری بیفتاد از ستور/ گفت: چشم تنگی دنیادوست را/ یا قناعت پُر کند یا خاک‌گور». هدفم از بیان این حکایت این بود که در قدیم‌الایام بازرگانانی در این سرزمین بوده‌اند که به ۶ نقطه از جهان برای تجارت سفر می‌کردند. این نمونه‌ای از کسب‌وکار ایام قدیم در این مملکت (ایران) بوده که با تجارت زمانه ما بسیار متفاوت است. همین زمان حال، شما در اتاق بازرگانی ایران هیج بازرگان یا تاجری نمی‌شناسید که از روسیه به ایران و از ایران به هند و از هند به اروپا تجارت کند. یعنی بتواند سرمایه را در ۶ نقطه از عالم بچرخاند و خودش در ایران ساکن و مستقر باشد. یکی از ضعف‌ها در اقتصاد ایران همین مساله است. ما در اقتصاد شاید تولید کالاها را ارج نهمیم و از تولیدکنندگان تجلیل کنیم اما تولید زمانی می‌تواند، محترم و مفید باشد که ارزش افزوده ایجاد کند. متأسفانه در ایران تجارت را با خصیصه زالوصفتی می‌شناسیم و تاجران را ارج نمی‌نهم. این را هم نباید فراموش کنیم که هیچ تولیدی بدون تجارت نمی‌تواند سرپا بماند. زمانی می‌توانیم تولید داشته باشیم که تاجر خوب داشته باشیم و تاجر خوب می‌تواند هم زندگی را سامان دهد و هم کالاها را با سود حلال بفروشد. همین اقتصاد نوظهور چین را در نظر بگیرید. مهم‌ترین عامل تحول در اقتصاد چین که توانست این کشور را صنعتی کند و آنان توانستند در همه رشته‌های صنعتی حرف جدی برای گفتن داشته باشند، سهم بازاری چین از آمریکا است. چینی‌ها توانستند با برقراری روابط سیاسی با آمریکا و گفت‌وگوهای مفصل با طرف آمریکایی، روابط جدیدی با آمریکا بریزی کنند و توانستند به این واسطه، سهم خودشان را از بازارها بگیرند و به انکای بازار مناسب از تولیدشان نیز حمایت کنند و آن را سامان دهند. یاد می‌آید چند سال پیش یک گروه از مجمع تشخیص مصلحت نظام با همراهی آقای محمدرضا باهنر، مجید انصاری و محمدباقر ذوالقدر و جمع دیگری به دعوت چین به آن کشور سفر کردند.

۱ ادامه در صفحه ۶



عقلانیت زیر فشارهای داخلی

حملات اِصوگرایان و تندروها به توافق جدید ایران و آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای

گروه سیاسی: تفاهم تازه ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در قاهره هنوز اجرایی نشده با موجی از واکنش‌های شدید داخلی روبه‌رو شده است. دولت آن را نشانه عقلانیت و حفظ مسیر گفت‌وگو می‌داند اما منتقدان، عبور از قانون مجلس و تکرار تجربه‌های پرهزینه گذشته را هشدار می‌دهند.

در حالی که مذاکرات ایران و آمریکا برای رسیدن به توافق هسته‌ای جریان داشت، حملات رژیم صهیونیستی به ایران، معادلات هسته‌ای را وارد مرحله پیچیده‌تری کرد. وزارت امور خارجه در برابر این شرایط دو مسیر پیش رو داشت: توقف کامل همکاری با آژانس یا یافتن راهی برای حفظ تعامل بدون عبور از خطوط قرمز امنیت ملی. انتخاب عراقچی و تیم او مسیر دوم بود؛ راهی که به گفته نزدیکان دولت، «نه عقب‌نشینی است و نه تسلیم بلکه کوششی هوشمندانه برای مدیریت فشارها در عین رعایت الزامات قانونی و امنیتی است».

با این حال، جبهه مخالف توافق، به‌ویژه برخی نمایندگان مجلس و رسانه‌های منتقد دولت، به شدت علیه آن موضع گرفته‌اند. پس از توافق اخیر عراقچی و گروسی در قاهره، روزنامه کیهان در سرمقاله‌ای نوشت که این تفاهم، «عبور از قانون مجلس» و «تکرار تجربه تلخ برجام» است و گروسی را «گماشته آمریکا و اسرئیل» خواند. حمید رسایی نیز در کانال تلگرامی خود تأکید کرده است که «اطلاع‌رسانی درباره متن توافق صرفاً از سوی گروسی انجام می‌شود» و مجلس و حتی افکار عمومی ایران در بی‌خبری قرار دارند. برخی نمایندگان ازجمله جواد حبیبی‌کیا، با پارافرات گذاشته و گروسی را «عامل موساد» خوانده و حتی تهدید کرده‌اند در صورت ورود به ایران باید بازداشت شود.

مخالفان بر این نکته تکیه دارند که تفاهم قاهره برخلاف مصوبه ۴ تیر ۱۴۰۴ مجلس است؛ مصوبه‌ای که همکاری ایران با آژانس را مشروط به دو شرط اساسی کرده بود: تضمین امنیت دانشمندان و مراکز هسته‌ای و به رسمیت شناختن حق غنی‌سازی ایران ذیل NPT هر دو به تشخیص شورای عالی امنیت ملی. به باور منتقدان، این شروط تاکنون محقق نشده بنابراین توافق اخیر فاقد وجاهت حقوقی است.

در برابر این دیدگاه، دستگاه دیپلماسی می‌گوید، روند تفاهم دقیقاً در چارچوب همان مصوبه و با هماهنگی شورای عالی امنیت ملی انجام شده است. به گفته نزدیکان وزارت خارجه، شورای عالی امنیت ملی پس از بررسی شرایط، راه را برای آغاز دوباره همکاری‌ها هموار کرد تا ایران در صحنه بین‌المللی متهم به بستن درهای نظارت و شفافیت نشود.

این کشاکش سیاسی در حالی رخ می‌دهد که رهبر انقلاب در دیدار اخیر با هیأت دولت، بار دیگر بر ضرورت حفظ انسجام ملی و حمایت از رئیس‌جمهور تأکید کردند. به گفته ایشان، در شرایطی که کشور زیر فشارهای چندجانبه قرار دارد، اولویت، جلوگیری از شکاف‌های داخلی است.

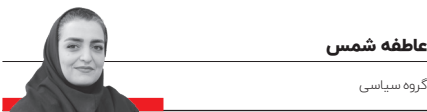
در عمل، توافق جدید نه پایان راه بلکه آغاز مسیری تازه برای دیپلماسی هسته‌ای ایران است؛ مسیری که اگر با اجماع داخلی و حمایت نهادهای اصلی کشور همراه شود، می‌تواند به کاستن از فشارهای غیرقانونی خارجی کمک کند. اما اگر این مسیر با دوقطبی‌سازی‌های داخلی و بی‌اعتمادی همراه شود، خطر تکرار تجربه‌های تلخ گذشته را به دنبال خواهد داشت.

آنچه روشن است، توافق عراقچی و گروسی بار دیگر میدان تازه‌ای از جدال میان عقلانیت دیپلماتیک و فشارهای سیاسی داخلی را گشوده است؛ جدالی که نتیجه آن می‌تواند در سرنوشت آینده برنامه هسته‌ای ایران و جایگاه بین‌المللی کشور تعیین‌کننده باشد.



سنت عذرخواهی

رئیس‌جمهور بابت قطعی‌ها از مردم عذرخواهی کرد. سازندگی بررسی می‌کند: کدامیک از روسای جمهور پیشین عذرخواهی کردند؟



عاطفه شمس

گروه سیاسی

در فرهنگ سیاسی جهان، عذرخواهی یک مقام عالی‌رتبه نشانه‌ای از بلوغ نهادی و پذیرش مسئولیت است. عذرخواهی سیاسی نه تنها بازتابی از پذیرش مسئولیت است بلکه می‌تواند نقش مهمی در جلب اعتماد عمومی، کاهش تنش‌ها و کنترل بحران داشته باشد. در ایران اما، سنت عذرخواهی از سوی رؤسای جمهور، دست‌کم تا یک دهه اخیر امری نادر بوده است. مرور تجربه ۶ رئیس‌جمهور از سال ۱۳۶۸ تاکنون نشان می‌دهد که عذرخواهی رسمی به تدریج از یک تابو به ابزاری محدود، گزینشی و در عین حال مؤثر در مدیریت بحران بدل شده است.

رفسنجانی؛ توضیح به جای پوزش

(۱۳۷۶-۱۳۶۸) دوران ریاست‌جمهوری اکبر هاشمی‌رفسنجانی با بازسازی اقتصادی پس از جنگ شناخته می‌شود. در منطق سیاست آن سال‌ها، رئیس‌جمهور بیشتر معمار توسعه معرفی می‌شد. انتقادات عمومی و رسانه‌ای معمولاً مطرح می‌شدند اما عذرخواهی رسمی جزو اصول مطرح‌نشده بود.

خاتمی؛ اعتراف به کاستی‌ها

(۱۳۸۴-۱۳۷۶) محمد خاتمی با شعار توسعه سیاسی و گفت‌وگوی تمدن‌ها بر سر کار آمد. او در برابر بحران‌هایی همچون واقعه کوی دانشگاه در تیر ۷۸ یا انسداد اصلاحات بارها از کاستی‌ها و نقصان‌ها سخن گفت و بعدها نیز در سال ۹۷ در قامت چهره‌ای سیاسی از مردم بابت ناکامی‌ها پوزش خواست. اما در دوره مسئولیت، عذرخواهی صریح از یک بحران ملی در کارنامه‌اش دیده نشد. خاتمی بیشتر بر شرایط دشوار و موانع تأکید داشت تا بر پذیرش خطای مدیریتی.

احمدی‌نژاد؛ حمله به جای پذیرش مسئولیت

(۱۳۹۲-۱۳۸۴) محمود احمدی‌نژاد، در دوره‌ای که تحریم‌ها، بحران هسته‌ای، گرانی و فساد اداری فضای عمومی را پر کرده بود کمتر به سنت عذرخواهی نزدیک شد. لحن او عمدتاً دفاعی و تهاجمی بود؛ مقصر بحران‌ها یا دولت‌های گذشته معرفی می‌شدند یا دشمنان خارجی. تنها نمونه‌های فرعی از پوزش‌خواهی در حاشیه سفرها ثبت شده اما در بحران‌های ملی، رئیس‌جمهور نهم و دهم ترجیح می‌داد از مسئولیت فاصله بگیرد.

روحانی؛ نخستین عذرخواهی بابت خاموشی‌ها

(۱۴۰۰-۱۳۹۲) نقطه عطف سنت عذرخواهی در جمهوری اسلامی را شاید بتوان به دولت حسن روحانی نسبت داد. در تابستان ۱۴۰۰ قطعی‌های گسترده برق در اوج گرما، خشم عمومی

احزاب

را برانگیخت. روحانی در جلسه هیأت دولت و در گفت‌وگویی تلویزیونی با صراحت گفت: «من از مردمی که در این روزها دچار مشکل شدند، عذرخواهی می‌کنم». او هم‌زمان دلایل فنی و اقلیمی - از خشکسالی و کاهش تولید برقی تا مصرف بالای خانگی و صنعتی - را توضیح داد. این نخستین بار بود که یک رئیس‌جمهور در متن یک بحران خدماتی چنین صریح و در جایگاه رسمی از مردم عذرخواهی می‌کرد. روحانی همچنین بابت کندی واکسیناسیون کرونا در مقاطعی ابراز تأسف کرد.

دستور جلسات و ویژه، تغییر ساعات فعالیت صنایع، برنامه‌ریزی برای اطلاع‌رسانی خاموشی‌ها و درخواست همکاری از مردم، بخشی از راهکارهایی بوده که همراه با اظهار عذرخواهی



در این دوره به اجرا درآمده‌اند. این موارد نمونه واضحی هستند که دولت حاضر شده، مسئولیت حداقلی را بپذیرد و از مردم عذر بخواهد، نه فقط در مقام نمایان بلکه در مجاری رسمی دولتی.

رئیس‌ی؛ پوزش‌های محلی، نه ملی

(۱۴۰۲-۱۴۰۰) دوران ریاست‌جمهوری ابراهیم رئیسی نیز با بحران‌های متعدد اقتصادی، برق، گاز، تحریم‌ها و... همراه بود اما نمونه‌های قابل قیاس با روحانی یا پزشک‌یان از عذرخواهی رسمی در مقیاس ملی کمتر برجسته‌اند. عذرخواهی‌ها معمولاً محلی، در دیدارهای استانی یا در مقابل گروه‌های محدود بوده‌اند؛ نه لزوماً در رسانه‌ای گسترده یا در واکنش به یک بحران ملی به صورت مستقیم و قبول مسئولیت. رئیسی در دیدارهای استانی بارها با عباراتی از مردم بابت کمبودها یا تأخیرها پوزش طلبید اما در مقیاس ملی و در مواجهه با بحران‌هایی چون کمبود انرژی زمستانی یا گرانی‌ها، لحن او بیشتر بر مدیریت جهادی و پیگیری فوری متمرکز بود تا بر عذرخواهی.

پزشکیان؛ صراحت در پذیرش مسئولیت

(۱۴۰۴ تا امروز) مسعود پزشکیان از نخستین روزهای ریاست‌جمهوری با بحران انرژی روبه‌رو شد. در زمستان ۱۴۰۳ و اوایل ۱۴۰۴ به دلیل کمبود سوخت و مشکلات شبکه، دولت ناچار به قطع برق و سوزاندن مازوت در نیروگاه‌ها شد. پزشکیان

در مجلس و رسانه ملی آشکارا گفت: «من از مردم کشورمان عذرخواهی می‌کنم؛ مجبور شدیم، برق را قطع کنیم و مازوت بسوزانیم. به هیچ‌وجه دلم نمی‌خواست چنین شود». او اخیراً نیز در پاسخ به انتقادات به قطعی برق افزود: «اگر برق و گاز مردم را قطع کردیم، معذرت می‌خواهم... تلاش می‌کنیم، مشکلات را مدیریت کنیم». این صراحت تفاوتی آشکار با شیوه اسلاف او دارد؛ پزشک‌یان نه تنها مسئولیت را به گردن دیگران نمی‌اندازد بلکه با زبان مستقیم از مردم عذرخواهی کرده، وعده اصلاح می‌دهد و به مدیریت مشکلات امیدوار است.

چرا عذرخواهی نادر بوده است؟

چند عامل سبب شده‌اند، عذرخواهی در ایران و در بین مسئولان عالی‌رتبه کمتر معمول باشد. اولین آن ساختار قدرت است. بخشی از تصمیم‌های کلان، از سیاست خارجی تا امنیت داخلی در نهادهایی بیرون از دولت گرفته می‌شود. بنابراین رئیس‌جمهور خود را مسئول مطلق نمی‌بیند. دومین عامل، فشار عوامل بیرونی است. تحریم‌ها، خشکسالی، کرونا و... همواره به عنوان «علت‌های خارج از کنترل» معرفی شده‌اند. این نگاه مجالی برای عذرخواهی تمام‌عیار نمی‌گذارد. سومین موضوع فرهنگ سیاسی است. عذرخواهی در فرهنگ سیاسی ایران غالباً نشانه ضعف تلقی شده است. سیاستمداران ترجیح داده‌اند، اقتدار و استقامت نشان دهند تا اعتراف به خطا. اما در چند سال اخیر تحولات اجتماعی و بلوغ سیاسی سبب شده که شاهد افزایش عذرخواهی مسئولان باشیم. در دهه اخیر با گسترش شبکه‌های اجتماعی و افزایش توقع پاسخگویی، فشار افکار عمومی بیشتر شده و مسئولان را به سوی استفاده از زبان عذرخواهی سوق داده است.

چشم‌به‌آینده

سنت عذرخواهی در ایران به عنوان ابزار پاسخگویی هنوز کاملاً تثبیت‌شده نیست اما طی دهه اخیر با نمونه‌هایی مثل روحانی و پزشکیان، عینی‌تر و محسوس‌تر شده است. گرچه عذرخواهی‌ها بیشتر حول بحران‌هایی با تأثیر زندگی روزمره مردم هستند مثل قطعی برق، آلودگی، قطع گاز، مسائل خدماتی و... اما از نظر تأثیر، می‌توانند به کاهش فشار عمومی کمک کنند. باید توجه داشت این پذیرش مسئولیت‌ها اگر همراه با اقدامات عملی مانند بهبود زیرساخت‌ها، اطلاع‌رسانی شفاف، مشارکت مردم در راه‌حل‌ها و پاسخ به انتظارات نباشند فقط نمادین باقی می‌مانند. اما همچنان عذرخواهی هرچند اندک و گزینشی می‌تواند، سرمایه اجتماعی دولت را تقویت کند. تجربه روحانی در ۱۴۰۰ و پزشکیان در ۱۴۰۳ نشان داد که یک عذرخواهی صریح می‌تواند، فرصتی برای مدیریت بحران فراهم آورد. سنتی که طبق شواهد، فشار افکار عمومی و نیاز دولت‌ها به ترمیم اعتماد به تدریج آن را از حاشیه به متن سیاست ایران کشانده است.

هشدار درباره تهدید صلح و امنیت

بیانیه جبهه اصلاحات ایران درباره تجاوز نظامی اسرائیل به قطر

از رهگذر سیاست‌های نظامی‌گرایانه و سلطه‌جویانه، خود را به عنوان «ژاندارم منطقه» تحمیل کرده و طرح‌هایی چون «پیمان ابراهیم» را بر ویرانه‌های حقوق ملت فلسطین بنا کند. جبهه اصلاحات ایران در این بیانیه بر ضرورت بازتعریف سیاست خارجی جمهوری اسلامی بر پایه همگرایی و همکاری سازنده با کشورهای کلیدی جهان اسلام، و ویژه عربستان، ترکیه و مصر، تأکید کرده است. به باور این جبهه، تنها از طریق تشکیل یک بلوک هماهنگ منطقه‌ای می‌توان در برابر توسعه‌طلبی اسرائیل ایستادگی و از حقوق مردم فلسطین دفاع کرد.

در این بیانیه همچنین تأکید شده که این بلوک می‌تواند با بهره‌گیری از ظرفیت‌های حقوقی، دیپلماتیک و اقتصادی- به ویژه از طریق اعمال فشار هماهنگ بر حامیان رژیم اسرائیل و استفاده از ابزارهایی چون تحریم‌های انرژی و نفتی- این رژیم را در انزوای بین‌المللی قرار دهد و هزینه اقدامات تجاوزکارانه و تروریستی آن را به طور ملموس افزایش دهد. جبهه اصلاحات

ایران همچنین تأکید کرده است که تجربه‌های اخیر نشان داده که مذاکره و گفت‌وگو بارها قربانی سیاست‌های جنگ‌افروزان اسرائیل شده و ادامه این روند با منافع مردم منطقه در تضاد است. در بخش پایانی بیانیه، جبهه اصلاحات ایران از دولت‌ها و ملت‌های اسلامی و عربی خواسته است با اعمال فشار سیاسی بر قدرت‌های بزرگ به ویژه ایالات متحده، آنان را به اجرای بی‌قید و شرط قطعنامه‌های سازمان ملل و به رسمیت شناختن دولت مستقل فلسطین وادار کنند. تنها در این چارچوب است که می‌توان به مهار بحران‌های منطقه‌ای، استقرار صلح پایدار و تأمین امنیت جمعی دست یافت.

جبهه اصلاحات ایران ضمن اعلام همبستگی با ملت قطر و حمایت قاطع از مردم مظلوم فلسطین هشدار داده که تداوم سیاست‌های سلطه‌جویانه رژیم اسرائیل نه تنها صلح و ثبات خاورمیانه بلکه امنیت بین‌المللی را نیز به شدت، تهدید خواهد کرد.

دیپلماسی هوشمندانه

ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به توافق رسیدند

گفت و افزود: «در خصوص تأسیسات بمباران شده، شرایط پیچیده‌ای وجود دارد. آژانس پذیرفته که نگرانی‌های ایران در این زمینه مشروع است و باید مورد توجه قرار گیرد.»

امنیت، اولویت نخست در همکاری‌ها

به گفته عراقچی بر اساس توافق جدید، تازمانی که اقدامات ایمنی و زیست‌محیطی از سوی ایران انجام نشود، آژانس هیچ اقدامی نخواهد کرد. پس از آن، گزارش وضعیت تأسیسات به شورای عالی امنیت ملی ارائه می‌شود و این شورا با در نظر گرفتن دغدغه‌های امنیتی، تصمیم‌گیری خواهد کرد. مذاکرات جداگانه‌ای نیز برای تعیین نحوه دسترسی‌ها انجام خواهد شد و نتیجه آن به شورا ارجاع داده می‌شود تا درخواست‌ها را مورد به مورد بررسی کند. عراقچی همچنین خاطرنشان کرد: «در این توافق، تمامی نگرانی‌های ایران مورد پذیرش قرار گرفته‌اند. آژانس به نگرانی‌های امنیتی ایران اذعان کرده و شکل جدید همکاری‌ها نیز مورد توافق قرار گرفته است». او هشدار داد که اعتبار این توافق تا زمانی پایرجاست که هیچ اقدام خصمانه‌ای علیه ایران از جمله فعال‌سازی مکانیسم اسنبک، صورت نگیرد. در غیر این صورت توافق فاقد اعتبار خواهد بود.

گروه بین‌الملل: در تحولی مهم در عرصه دیپلماسی هسته‌ای، جمهوری اسلامی ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی روز سه‌شنبه ۱۸ شهریور در قاهره، پایتخت مصر، توافق‌نامه‌ای امضا کردند که می‌تواند نقطه عطفی در روابط دو طرف باشد. این توافق، که به گفته رافائل گروسی، مدیرکل آژانس، «گامی در مسیر درست» است، زمینه‌ساز از سرگیری همکاری‌ها و تعیین چارچوبی جدید برای بازرسی از تأسیسات هسته‌ای ایران خواهد بود.

توافقی با رویکرد فنی و امنیتی

گروسی در کنفرانس خبری مشترک با مقامات ایرانی بر جنبه فنی توافق تأکید کرد و گفت که بازرسی‌ها باید در چارچوب پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای از سر گرفته شوند. این سخنان در حالی مطرح شد که سیدعباس عراقچی، معاون وزیر خارجه در گفت‌وگویی تلویزیونی اعلام کرد آژانس پذیرفته است که شکل همکاری‌ها با ایران نمی‌تواند مانند گذشته باشد. عراقچی با اشاره به قانون مصوب مجلس تأکید کرد که همکاری‌ها باید در چارچوب این قانون و از طریق شورای عالی امنیت ملی انجام شود. او همچنین از تفاوت قائل شدن میان تأسیسات بمباران شده و نشده سخن

خاورمیانه

پیام‌های پنهان

بررسی حمله اسرائیل به خاک قطر و ترور رهبران حماس



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

در روز سه‌شنبه ۱۸ شهریور، ارتش اسرائیل با همکاری سرویس امنیت داخلی شاپاک و نیروی هوایی، ساختمانی متعلق به حماس را در دوحه، پایتخت قطر، هدف حمله‌ای هوایی قرار داد. اگرچه رهبران ارشد حماس از این حمله جان سالم به در بردند اما این اقدام به عنوان نخستین حمله اسرائیل به خاک قطر، پیامدهای گسترده‌ای در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی به همراه داشت.

پیام سیاسی فراز از هدف نظامی

قطر، کشوری با روابط رسمی با اسرائیل و هم‌پیمانی نظامی و سیاسی با ایالات متحده حالا خود را در معرض حمله‌ای مستقیم از سوی اسرائیل می‌بیند. این اقدام نشان داد که از منظر تل‌آویو تفاوتی میان کشور دشمن مانند ایران و کشوری با روابط دیپلماتیک مانند قطر وجود ندارد. این حمله نخستین اقدام نظامی اسرائیل در جنوب خلیج فارس محسوب می‌شود؛ منطقه‌ای که پیش‌تر از حملات مستقیم اسرائیل مصون مانده بود. از منظر تاریخی این دومین حمله به خاک قطر از زمان استقلال این کشور در سال ۱۹۷۱ میلادی است. پیش‌تر، در تیرماه گذشته، ایران در واکنش به حملات هوایی آمریکا به مراکز هسته‌ای خود، پایگاه نظامی آمریکا در قطر را هدف حمله موشکی قرار داده بود. اکنون، با حمله اسرائیل، قطر بار دیگر در مرکز یک بحران امنیتی قرار گرفته است.

محکومیت یکپارچه اما محتاطانه

واکنش‌ها به این حمله در سطح جهانی بسیار شدید بود. شورای امنیت سازمان ملل متحد روز پنج‌شنبه ۲۰ شهریور با صدور بیانیه‌ای حمله به دوحه را محکوم کرد. این بیانیه با رأی مثبت هر ۱۵ عضو شورا، از جمله ایالات متحده، تصویب شد. با این حال در متن بیانیه، نامی از اسرائیل به‌عنوان عامل حمله ذکر نشده بود. قطر از این محکومیت یکپارچه استقبال کرد و نخست‌وزیر این کشور محمد بن عبدالرحمن آل‌ثانی، رهبران اسرائیل را «افراط‌گرایان خشونت‌طلب» توصیف کرد. اعضای شورای امنیت ضمن ابراز تأسف از کشته شدن غیرنظامیان بر اهمیت کاهش تنش و حفظ حاکمیت و تمامیت ارضی قطر



تعامل با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ایران را از اتهامات بی‌اساس مبرا می‌سازد و امکان بهره‌گیری از ظرفیت‌های دیپلماتیک را فراهم می‌کند. خروج از پیمان ان‌پی‌تی، اگرچه از نظر حقوقی به معنای ساخت سلاح هسته‌ای نیست اما شباهت آن را تقویت کرده و می‌تواند اجماع جهانی علیه ایران ایجاد کند؛ خواسته‌ای که واشنگتن و تل‌آویو به‌دنبال آن هستند. در نهایت، راهبرد خردمندانه برای ایران نه در خروج از پیمان‌ها و نه در اتکال افراطی به قدرت‌های خارجی بلکه در تکیه بر توان داخلی، انسجام ملی و بهره‌گیری هوشمندانه از ظرفیت‌های حقوقی و دیپلماتیک نهفته است. سیاست خارجی موفق، آن است که هم حقوق ایران را حفظ کند و هم تهدیدها را کاهش دهد. این توافق، اگرچه هنوز در مراحل ابتدایی است، می‌تواند نقطه آغاز فصل تازه‌ای در روابط ایران و آژانس باشد؛ فصلی که با عقلانیت، امنیت و دیپلماسی رقم می‌خورد.

دیپلماسی

تکرار ادعاهای واهی

ایران به امارات پاسخ می‌دهد

دیرکل شورای همکاری خلیج فارس در نشست مشترک وزرای گفت‌وگوی راهبردی روسیه و کشورهای عضو این شورا در سوچی، بار دیگر ادعاهای بی‌اساس را درباره جزایر سه‌گانه ایران تکرار کرد. «جاسم محمد البیدیوی» دبیرکل شورای همکاری خلیج فارس در نشست سوچی با تکرار ادعا درباره جزایر سه‌گانه ایران گفت: از ایران می‌خواهیم به تلاش‌های امارات برای حل مشکل جزایر سه‌گانه از طریق گفت‌وگو پاسخ دهد. شورای همکاری خلیج فارس پیش‌تر در پایان نشست یک‌صد و شصت و پنجم وزرای خارجه خود بار دیگر مدعی شد که جزایر ایرانی تبب بزرگ، تبب کوچک و ابوموسی متعلق به امارات متحده عربی است. این شورا همچنین ادعا کرد که میدان گازی آرش به‌طور کامل در محدوده دریایی کویت قرار دارد و مالکیت آن تنها متعلق به عربستان و کویت است، افزون بر این، شورا در اقدامی مداخله‌جویانه خواستار گنجاندن «نگرانی‌های امنیتی کشورهای عضو» در مذاکرات هسته‌ای ایران شد. وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران نیز تاکنون چندین بار به این ادعاها واکنش نشان داده و آن را مردود اعلام کرده است. وزارت خارجه پیش‌تر در بیانیه‌ای تأکید کرد: «ادعاهای تکراری و فاقد اعتبار حقوقی درخصوص جزایر سه‌گانه هیچ‌بنه‌ای حقوقی ندارد و صدور بیانیه‌های یک‌جانبه نیز هیچ حقی برای دولت کویت با دیگر کشورها ایجاد نمی‌کند.» وزارت امور خارجه ضمن تصریح بر حقوق تاریخی ایران در میدان گازی آرش و سوابق مذاکرات مرتبط، ادعاهای کویت و عربستان را بی‌اعتبار خواند همچنین در این بیانیه هشدار داده شد که کشورهای منطقه به جای طرح ادعاهای واهی، توجه خود را به خطر واقعی و فوری سلاح‌های کشتار جمعی رژیم صهیونیستی معطوف کنند و برای تحقق منطقه عاری از سلاح هسته‌ای تلاش مشترک نمایند. ایران همواره تأکید کرده است که جزایر تبب بزرگ، تبب کوچک و ابوموسی بخش جدایی‌ناپذیر از سرزمین جمهوری اسلامی ایران بوده، هستند و خواهند بود و هیچ‌گونه ادعای خلاف این واقعیت تاریخی و حقوقی را نخواهد پذیرفت.



نقض حاکمیت قطر و تضعیف نقش میانجی‌گری

یکی از پیامدهای فوری و مهم این حمله، نقض آشکار حاکمیت قطر بود. کشوری که از سال ۲۰۱۲ میزبان دفتر سیاسی حماس بوده توافقی با حمایت صریح آمریکا و تأیید ضمنی اسرائیل. این نقش قطر، امکان مذاکرات پشت پرده و ارتباط با حماس را فراهم کرده و در آتش‌س‌ها و آزادی گروهان‌ها نقش کلیدی داشته است. حمله به خاک یک متحد آمریکا، نه‌تنها این کانال دیپلماتیک را به خطر انداخت بلکه موجب خشم قطر شد. نخست‌وزیر قطر، حمله را «تروریسم دولتی» خواند و اعلام کرد که نقش میانجی‌گری قطر مورد بازنگری قرار خواهد گرفت. او همچنین گفت این اقدام «هر آمیدی» برای توافق درباره گروهان‌های باقی‌مانده را از بین برده است.

موضع آمریکا: شکاف در اتحاد با اسرائیل

در پی این رویداد ایالات متحده نیز در موقعیتی دشوار قرار گرفت. کاخ سفید تأیید کرد که از حمله قریب‌الوقوع مطلع بوده اما مقامات آمریکایی، از جمله رئیس‌جمهور دونالد ترامپ، تلاش کردند خود را از آن جدا کنند و آن را «حادثه‌ای تأسفبار» خواندند. روزنامه وال استریت ژورنال گزارش داد که ترامپ پس از آنکه اسرائیل بدون اطلاع واشنگتن رهبران حماس را در قطر هدف قرار داد، تماس تلفنی تندی با نتانیاهو داشت. نتانیاهو در این تماس گفت که تنها یک فرصت کوتاه برای این حمله داشته است. ترامپ که از بی‌خبر ماندن عصبانی بود، هشدار داد این اقدام می‌تواند تلاش‌ها برای صلح همچنین روابط آمریکا و قطر را به خطر بیندازد. این واکنش، شکاف‌های عمیق در روابط آمریکا و اسرائیل را برجسته کرده و تنش میان حمایت از متحد کلیدی و حفظ اعتبار دیپلماتیک در منطقه را نمایان کرده است. عاملی که اعتماد

کشورهای خلیج فارس به آمریکا را خدشه‌دار کرده است.

منطقه در آستانه انتخابی تاریخی

محمدجواد ظریف، وزیر پیشین خارجه، در یادداشتی در روزنامه الاخبار لبنان، حمله اسرائیل به قطر را نشانه‌ای از بحران عمیق در غرب آسیا دانست. او تأکید کرد که منطقه باید میان «تجاوز بی‌پایان» و «طلوع همکاری واقعی» یکی را انتخاب کند. ظریف پیشنهاد کرد که با خلق آینده‌ای مشترک و الهام‌بخش، کشورهای منطقه می‌توانند در برابر «توهم اسرائیل بزرگ» ایستادگی کرده و خاورمیانه‌ای عاری از تعصب، آپارتاید و سلاح‌های کشتار جمعی بسازند.



اعلام کرد، افرادی که تل‌آویو آنان را مسئول حمله ۷ اکتبر و ادامه جنگ می‌داند. این اقدام پس از تیراندازی در اورشلیم که حماس مسئولیت آن را پذیرفت و منجر به کشته شدن چند اسرائیلی شد، انجام گرفت؛ همزمان با آمادگی اسرائیل برای حمله گسترده به شهر غزه. زمان‌بندی این عملیات نشان می‌دهد، اسرائیل آن را فرصتی برای قطع سر رهبری حماس تلقی کرده است. با این حال اثربخشی حمله مورد تردید قرار گرفته است. حماس تأیید کرد که چند عضو رده پایین، از جمله پسریکی از مذاکره‌کنندگان ارشد، کشته شده‌اند اما اعلام کرد، رهبران ارشد جان سالم به در برده‌اند. برخی مقامات اسرائیلی نیز اذعان کرده‌اند که عملیات به اندازه انتظار موفق نبوده است.



سال هشتم شماره ۲۰۵۹
شنبه ۲۲ شهریور ۱۴۰۴

کافه

تازه‌های ادب و هنر

یاد: موسیقی

از صدا افتاده

درگذشت سه چهرهٔ موسیقی: بهمن رجبی، سیدعلاالدین یاسینی و ابی لیتلز



در روزهای اخیر سه چهرهٔ حوزهٔ موسیقی درگذشتند؛ بهمن رجبی که به پدر تنبک‌نوازی نوین ایران معروف بود، سیدعلاالدین یاسینی پیشکسوت دف‌نوازی کردستانی و علی‌اکبر عسکریان ذکاء معروف به «ابی لیتلز».

شبفته شاملو

بهمن رجبی، نوازنده و مدرس پیشکسوت تنبک چهارشنبه ۱۹ شهریور در ۸۶ سالگی بر اثر عارضه قلبی درگذشت. بهمن رجبی سال ۱۳۷۸ در رشت متولد شد. از سال ۱۳۵۰ فعالیت حرفه‌ای خود در زمینهٔ تکتوازی و دو نوازی تنبک و همکاری با سازهای ملودیک را آغاز کرد. او خود را شاگرد امیرناصر افتتاح از استادان بنام تنبک می‌دانست و آخرین اجرایش مربوط به سال ۱۳۸۴ با ارکستر ملل به رهبری پیمان سلطانی بود.

رجبی، چندین جلد کتاب آموزش تنبک شامل دورهٔ ابتدایی، متوسطه و دوره عالی و فوق عالی داشته و نقش ماندگاری در تربیت نسلی جدید از تنبک‌نوازان داشت. نوای تنبک بهمن رجبی در بسیاری از آثار شاخص موسیقی ایران همچون آلبوم «سواران دشت امید» به آهنگ‌سازی حسین علیزاده، «گلچین یک و دو» به آهنگ‌سازی رضا شفیعیان و... ثبت شده است. از آثار شاخص او می‌توان به قطعهٔ مشهور «گفت‌وگوی چپ و راست» اشاره کرد که در جلد دوم کتاب «آموزش تمبک» منتشر شده است. او هم‌چنین در تکت‌نوازی تنبک، ابداعات مهمی داشت از جمله افزودن ۱۱ نوع ریز به تکنیک‌های این ساز. او معتقد بود، نوازندهٔ تنبک باید قدرت و ظرافت اجرایی را هم‌زمان داشته باشد و به نقش خلاقیت در اجرا تأکید می‌کرد. از دیگر نوآوری‌های رجبی می‌توان به بسط و گسترش ریتم‌های مطربی و ایجاد ریزهای شانزده‌گانه اشاره کرد. بهمن رجبی، اشعاری نیز به طنز سرایید که از جمله آن‌ها می‌توان از «صدای پای دمبک» نام برد که اشاره‌ای دارد «به صدای پای آب» سهراب سپهری.

عطا نویدی، پژوهشگر موسیقی ایرانی، پس از درگذشت بهمن رجبی در یادداشتی دربارهٔ او نوشت: «رجبی روحی سرکش و بی‌تاب داشت و همین روحیه باعث شد در کلاس حسین تهرانی دوام نیاورد. هرچند تنها چهار ماه از کلاس امیرناصر افتتاح بهره برد اما همواره او را معلم واقعی تنبک و خود را مدیون او می‌دانست. امیرناصر افتتاح، معلمی دلسوز بود که هنرمندان بسیاری از جمله بهمن رجبی، مرتضی اعیان و محمد اسماعیلی را به جامعهٔ موسیقی معرفی کرد؛ هر یک از این هنرمندان تأثیرگذاری استادان زمان خود شدند. روح سرکش رجبی از جوانی، او را شخصیتی منحصربه‌فرد ساخت و باعث شد، زندگی را به شکل «بهمن‌گونه و رجبی‌وار» ادامه دهد. نگاه آرمانی به زندگی و روحیهٔ مبارزه با پیداد، او را شخصیتی مبارز ساخت که اهل تساهل و تسامح نبود. این روحیه پس از دوران زندانش در وی تشدید شد. او از ریا و تعارفات روزمره متنفّر بود و بیشتر از آن‌که بنوازد، می‌نوشت و صحبت می‌کرد. ابایی نداشت که نظرات خود را با صراحت و گاهی تند بیان کند تا جایی که حتی نزدیک‌ترین دوستان و شاگردانش را هم می‌رنجاند. شیفتهٔ احمد شاملو بود و خود نیز اشعاری می‌سرود که رد پای این شیفتگی در اشعارش به وضوح دیده می‌شد. در دهه‌های پایانی عمر، رجبی زندگی دشواری داشت و تنهایی را بر ارتباط با دیگران ترجیح می‌داد. او تنها با حلقهٔ محدودی از هنرمندان ارتباط داشت و زندگی‌اش را از طریق تدریس و در خانه‌ای اجاره‌ای می‌گذراند و سال‌ها از خانواده و فرزندان جدا بود. شیوهٔ شهریه گرفتن او نیز منحصر به فرد بود: هر شاگرد

فرزانه فروتن

بررسی زندگی، زمانه و کارنامهٔ کتابون مزداپور

نشست «زندگی، زمانه و کارنامهٔ دکتر کتابون مزداپور» از سلسله نشست‌های «از قیل و قال مدرسه: گفت‌وگویی صمیمانه با پژوهشگران جهان باستان» از سوی بنیاد فرهنگی ایران و انیران باستان یک‌شنبه ۱۶ شهریور به صورت برخط برگزار شد. در این نشست فرزانه گشتاسب، نادیا حاجی‌پور، حمیدرضا دالوند و آرزو رسولی (طالقاتی) سخنرانی کردند.

نخواست جلوی چشم باشد

آرزو رسولی، عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی در ابتدای نشست گفت: «این نشست ادای احترامی است به دکتر کتابون مزداپور که به گردن ایران خیلی حق دارد. من متأسفانه خودم شاگرد او نبودم ولی سال‌هاست که با استاد ارتباط دارم و می‌دانم که اگر از این برنامه اطلاع پیدا می‌کرد احتمالاً اجازه نمی‌داد که چنین برنامه‌ای را برگزار کنیم چون همیشه بسیار فروتن و از چنین برنامه‌هایی گریزان بود و حتی به دانشجویانش اجازه نداد که بزرگ‌داشتی بگیرند یا جشن‌نامه‌ای برایش تهیه کنند و حتی دکتر اسماعیل سنگاری، مدیر بنیاد ایران و انیران گفت: به دنبال عکس‌هایی از او که بودیم، هر چه گشتمیم با اینکه بارها خدمت ایشان رسیده بودیم ولی عکسی نداشت و این از شخصیت دکتر کتابون مزداپور است که هیچ‌وقت نخواست جلوی چشم باشد ولی تأثیر خود را بر فرهنگ ایران بر جای گذاشت. از دانشجویان خیلی خوبی که پرورش داد هم می‌شود این را فهمید.

همیشه در خدمت فرهنگ ایران

در ادامه فرزانه گشتاسب، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی گفت: «من سال ۱۳۷۱ اولین برخورد را با استاد داشتم. آن زمان دانشجوی شده بودم و در کانون زرتشتی فعالیت می‌کردم و در آن‌جا یک مسابقه اوستاخوانی و گاتاشناسی را آغاز کردم. از آنجایی که چنین سابقه‌ای در جامعهٔ زرتشتی وجود نداشت لذا خانم دکتری را به من معرفی کردند. به پژوهشگاه رفتم، گفتند باید نزد خانم دکتر مزداپور بروید و برای آغاز چنین برنامه‌ای راهنمایی بگیرید. او ابتدا «اوستای

سینمای جهان

تحریم اسرائیل

بیش از چهار هزار هنرمند و چهره‌های سرشناس صنعت سینما

از همکاری با شرکت‌های اسرائیلی کنار کشیدن

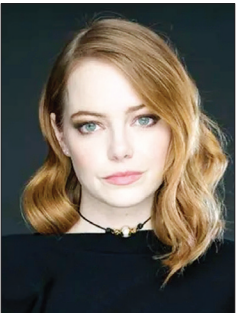
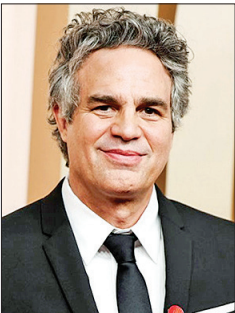
خواکین فینیکس و چهره‌های سرشناس دیگر سینمایی با پیوستن به متعهدانی که با مؤسسه‌های فیلمسازی اسرائیلی که «در جنایات جنگی هم‌دست» هستند، همکاری نمی‌کنند شمار افراد را به ۳۹۰۰ نفر رساندند.

در چند روز اخیر چهره‌های پیش‌تزی از سراسر دنیای فیلم و تلویزیون از جمله برندگان اسکار، بقتا، امسی و نخل طلا، تعهد همکاری نکردن با مؤسسه‌ها و شرکت‌های اسرائیلی که «در نسل‌کشی و آپارتاید علیه مردم فلسطین دست دارند» را امضا کردند. در حالی که فهرست اولیه شامل ۱۲۰۰ امضاکننده و شامل فیلمسازانی مانند یورگوس لانتیموس، آوا دوروبی، آدام مک‌کی، بوتس رایلی، اما سلیگمن، جاشوا اوپنهایم و مایک لی و بازیگرانی از جمله اما استون، اولیویا کلمن، آیو ادیبری، لیلی گلدستون، مارک روفالو، هانا اینبیندر، پیتر سارسگارد، ایمی لو وود، پاپا اسیدو، گائل گارسیا برنال، ریز احمد، ملیسا باررا، سینتیا نیکسون، تیلدا سویتون، خاویر باردِم، جو آوین و جاش اوکانر بود تا روز چهارشنبه این نامه از مرز ۳۹۰۰ امضا عبور کرد.

اکنون خواکین فینیکس، نیکولا کافلان، اندرو گارفیلد، هریس دیکینسون، بوون یانگ، رونی مارا، گای پیرس، جاناتان گلیرز، ایون ماس باچراک، فیشر استیونز، ابی جیکوبسون، اریک آندره، الیوت پیچ، پاپال کاپادیا و اما دارسکی هم امضای خود را به این تعهد اضافه کرده‌اند. فینیکس و مارا به تازگی به عنوان تهیه‌کنندگان اجرایی درام برنده جایزه ونیز درباره غزه با عنوان «صدای هند رجب» قرارداد امضا کرده‌اند و در مراسم افتتاحیه جشنواره با گل‌سینه‌هایی در حمایت از فلسطین روی فرش قرمز رفتند.

از دیگر امضاکنندگان می‌توان به امیر المصری، آمیکام مود، برایان کاکس، جیمز ویلسون، جو آوین، جاش اوکانر، مایک لی، پل لاورتی، ربکا هال، ربکا اوبراین، آسیف کاپادیا، ماکسین پیک، آریان لبد و جاشوا اوپنهایم اشاره کرد.

بیانیه تعهد که روز دوشنبه توسط سازمان «فیلم برای فلسطین» منتشر شد، بیان می‌کند که نمونه‌هایی از همدستی شامل «سفیدنمایی یا توجیه نسل‌کشی و آپارتاید و یا همکاری با دولتی که مرتکب آنها شده است» می‌شود. این تعهد جشنواره فیلم اورشلیم، جشنواره





اشارات و بازنمایی‌ها

درباره تفاوت ارجاع و اقتباس در سینما



مهرزاد دانش

منتقد

معمولاً در صحبت از اقتباس ادبی (و سایر اقتباس‌ها) در سینما، بین مفهوم ارجاع و اقتباس، خلط میبحث به وجود می‌آید. مثلاً در فیلم پیرپسر (اکنای برهانی) برخی منتقدان، ارجاعات او را به نمودهایی مانند ماجرای رستم و سهراب در شاهنامه فردوسی به مثابه اقتباس درنظر گرفته‌اند که اشتباه است.

اما تفاوت اقتباس و ارجاع چیست؟ آیا این دو فرآیند می‌توانند در فصلی مشترک کارکردی واحد پیدا کنند؟

در سینما، ارجاع (Reference) و اقتباس (Adaptation) دو مفهوم متفاوت هستند که هر کدام به شیوه‌ای خاص ارتباط بین سینما و ادبیات یا سایر نمودهای هنری را رقم می‌زنند. ارجاع اشاره‌ای آگاهانه و معمولاً غیرمستقیم به یک اثر ادبی، هنری، سینمایی یا فرهنگی دیگر در یک فیلم است. این اشاره می‌تواند به شکل یک دیالوگ، تصویر، موسیقی یا حتی یک ایده باشد که بیننده آشنا با اثر اصلی، آن را تشخیص می‌دهد. ارجاع معمولاً جزئی و محدود است و بخشی از یک اثر را به صورت نمادین یا تداعی کننده وارد فیلم می‌کند و هدف آن غالباً ایجاد ارتباط بینامتنی، افزودن لایه‌های معنایی یا ادای احترام به اثر مرجع است. از ایسن رو در ارجاع، نیازی به بازسازی کل اثر اصلی نیست و صرفاً بخشی از آن به وام گرفته می‌شود. مثلاً در فیلم پالپ فیکشن (کوئنتین تارانتینو) اشاره‌های متعددی به فیلم‌های کلاسیک و فرهنگ عامه وجود دارد مانند رقص جان تراولتا و اوما تورمن که به فیلم‌های قدیمی از جمله فیلم ۸/۵ قدریکو فلینی اشاره می‌کند.

اما اقتباس به معنای بازسازی یا تبدیل یک اثر ادبی مانند رمان، داستان کوتاه، نمایشنامه یا حتی یک اثر هنری دیگر مانند نقاشی یا موسیقی به یک فیلم سینمایی است. این فرآیند شامل بازآفرینی داستان، شخصیت‌ها و مضامین اثر اصلی در قالب سینماست. اقتباس معمولاً کل ساختار یا بخش عمده‌ای از اثر اصلی را در برمی‌گیرد و آن را به زبانی سینمایی ترجمه می‌کند که البته می‌تواند، وفادار به اثر اصلی باشد (اقتباس مستقیم) یا آزادانه، تغییراتی در آن ایجاد کند (اقتباس آزاد) ولی در هر حال، هدف آن خلق یک اثر سینمایی مستقل است که بتواند، داستان یا مضمون اثر اصلی را به مخاطب منتقل کند. مثلاً فیلم سه قسمتی ارباب حلقه‌ها (پیتر جکسون) اقتباسی از رمان معروف جی. آر. آر. تالکین است که داستان و شخصیت‌های آن را به سینما آورده است. در ارتباط با سایر هنر‌ها نیز می‌توان به اقتباس فیلم دختری با گوشواره مروارید (پیتر ویر) اشاره کرد که از نقاشی یوهانس فرمیر الهام گرفته است.

با این حساب تفاوت‌هایی کلیدی بین ارجاع و اقتباس



مهرداد بهار است. منش، روش و الگوهای رفتاری دکتر بهار بر روی او بسیار تأثیرگذار است. بهار شخصیت چند وجهی است. او زبان‌های باستانی که یک رشته مهجور شده بود را رونق بخشید و خلاف جهت آب در روزگار خود حرکت کرد. مزدایور هم انسانی چندوجهی است و این مهم‌ترین دلیل تأثیرگذاری کتابون مزدایور در زمانه ماست. او ذهن بسیار خلاق دارد و خیلی راحت در تحلیل‌هایش ارتباط برقرار می‌کند. او یک شخصیت عمل‌گراست.» دالوند با اشاره به خاطره‌آشنایی خود با کتابون مزدایور گفت: «نخستین برخورد من با او به حدود ۳۳ یا ۳۴ سال پیش برمی‌گردد. از طریق کنکور در دانشگاه پذیرفته شده بودم و در کلاس به همراه همکلاسی خود منتظر استاد بودیم. ما گفته بودند یک همکلاسی دیگر قرار است به ما اضافه شود. در همین حین خانمی با یک کیف و چند کتاب وارد کلاس شد. ما فکر کردیم همکلاسی جدید است، اهمیتی ندادیم و جلوی ایشان بلند نشدیم. او به سوری پنجره رفت و آن را باز کرد. یکی از دانشجویان که رد می‌شد، گفت خانم دکتر بیخشید و ما متوجه شدیم که این خانم استاد است. اولین سوالی که از ما پرسید این بود که به چه منظوری برای تحصیل در این رشته آمدید؟ من همان موقع گفتم دوست داشتم، ایلامی بخوانم. بعد من نام یوسف مجیدزاده را گفتم که استاد گفت: مجیدزاده باستان‌شناس است. دکتر ارفعی استاد زبان‌های باستانی است. در همان جلسه شماره دکتر ارفعی را به من داد و خودش زنگ زد و مرا به دکتر ارفعی معرفی کرد و پس از آن من به دفتر دکتر ارفعی می‌رفتم. من کتابون مزدایور را با بزرگواری و بزرگمنشی به یاد می‌آورم. خیر او به من رسیده است. معمولاً کسی با یک دانشجو در جلسه اول این‌گونه برخورد نمی‌کند. این نسبت من با دکتر کتابون مزدایور بود.»

فرزند زمانه

همچنین حمیدرضا دالوند، عضو دیگری از هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در این نشست با بیان این‌که کتابون مزدایور هواداران بسیاری دارد، گفت: «واقعیت این است که باید بدانیم چه چیزی کتابون مزدایور را متفاوت می‌کند. شاید اگر ساعت‌ها در مورد او صحبت کنیم، باز هم حق مطلب ادا نمی‌شود و آن سوال اصلی پیش می‌آید که دکتر کتابون مزدایور کیست؟ چه تأثیری بر جای گذاشته است؟ من به چند وجه از شخصیت او می‌پردازم. مهم‌ترین وجه شخصیت کتابون مزدایور، وجه اخلاقی اوست. به نظر من این وجه به مسأله کلان‌تری برمی‌گردد که باید مورد توجه قرار گیرد. او یکی از دختران و فرزندان ایران است. او در یکی از بسترهای اصیل این آب و خاک یعنی سنت زرتشتی رشد کرده است. ویژگی اخلاقی کتابون مزدایور تجلی سه‌گانه اندیشه، گفتار و کردار نیک است که در وجود او سرشته شده است. کتابون مزدایور، انسانی است که هم عقلی و هم کلامی به هر کسی که در اطرافش بود، می‌بخشید.» دالوند با بیان اینکه کتابون مزدایور فرزند زمانه خویش است، گفت: «او تحت‌تأثیر اندیشه‌های

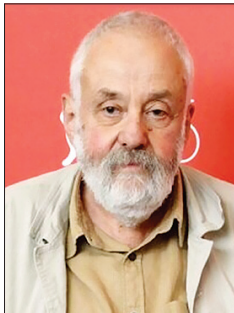
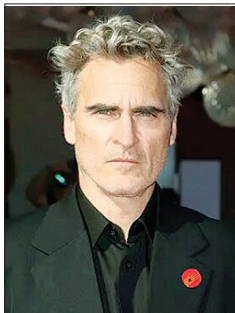
بین‌المللی فیلم حیف، دوکایو و TLVfest را هم دربر می‌گیرد.

در این تعهدنامه آمده که: در این لحظه بحرانی که بسیاری از دولت‌های ما قتل عام در غزه را ممکن می‌سازند باید تمام تلاش خود را برای مقابله با همدستی در این وحشت بی‌وقفه انجام دهیم. به گفته برگزارکنندگان، این بیانیه جمعی با الهام از «فیلمسازان متحد علیه آپارتاید» نوشته شده است. جاناتان دم، مارتین اسکورسیزی و ۱۰۰ فیلمساز برجسته دیگر در سال ۱۹۸۷ با این بیانیه از صنعت سینمای آمریکا خواسته بودند از توزیع فیلم در آفریقای جنوبی تحت آپارتاید خودداری کند.

در بیانیه «فیلم برای فلسطین» آمده است: بیشتر شرکت‌های تولید و توزیع فیلم اسرائیلی، نمایندگان فروش، سینماها و سایر مؤسسه‌های فیلمسازی هرگز از حقوق کامل و بین‌المللی شناخته شده مردم فلسطین حمایت نکرده‌اند. سال پیش تعهد مشابهی توسط بیش از ۷۰۰ نویسنده و فعال کتاب از جمله سالی روئی و بیت تان نگوین امضا شد و ناشران «همدست» اسرائیلی را تحریم کردند.

تعهد تحریم حامیان نسل‌کشی در غزه چنین تنظیم شده است: ما به عنوان فیلمساز، بازیگر، فعال در صنعت سینما، قدرت سینما در شکل‌دهی به برداشت‌ها را می‌شناسیم. در این لحظه بحرانی که بسیاری از دولت‌های ما در حال دامن زدن به قتل عام در غزه هستند باید هر کاری که می‌توانیم برای مقابله با همدستی در این وحشت بی‌وقفه انجام دهیم.

بالاترین دادگاه جهان، دیوان بین‌المللی دادگستری، حکم داده که خطر نسل‌کشی در غزه وجود دارد و اشغال و آپارتاید اسرائیل علیه فلسطینیان غیرقانونی است. دفاع از برابری، عدالت و آزادی برای همه مردم یک وظیفه اخلاقی عمیق است که هیچ‌یک از ما نمی‌توانیم آن را نادیده بگیریم. به همین ترتیب اکنون باید علیه آسیبی که به مردم فلسطین وارد شده است، صحبت کنیم.





دیدگاه: یادداشت اقتصادی

دستوپا زدن در تله

بازار سهام چگونه در تله سوگیری تاریگی افتاد؟

جمشید پیش‌قدم

گروه اقتصاد

بازار سرمایه ایران در سال‌های اخیر به یکی از کانون‌های اصلی توجه سرمایه‌گذاران و سیاست‌گذاران اقتصادی تبدیل شده است. رشد پرشتاب شاخص‌ها در برخی دوره‌ها و سقوط‌های سنگین در دوره‌های دیگر نشانه‌هایی هستند از اینکه بورس ایران نه فقط میدان تحلیل‌های اقتصادی بلکه صحنه بروز رفتارهای روان‌شناختی جمعی است. یکی از برجسته‌ترین این رفتارها، پدیده بیش‌واکنشی یا واکنش افراطی به اخبار است. در این گزارش با تکیه بر مبانی نظری مالی رفتاری، شواهد تاریخی از بورس ایران، مقایسه با بازارهای جهانی و مرور پژوهش‌های علمی به پاسخ این سوال پرداخته شده که چرا بورس ایران بارها دچار این پدیده بیش‌واکنشی شده و چه راهکارهایی برای کاهش آن وجود دارد؟

نظریه‌های مالی کلاسیک بر فرضیه بازار کارا تکیه می‌کنند؛ یعنی اینکه همه اطلاعات موجود به سرعت و بدون سوگیری در قیمت‌ها منعکس می‌شوند. اما مطالعات رفتاری در دهه‌های اخیر نشان داده‌اند این فرضیه در عمل همیشه صادق نیست. سرمایه‌گذاران انسان هستند و انسان‌ها تحت تأثیر هیجان، ترس و امید قرار می‌گیرند. در فضای واقعی اگر کارایی همیشه و در هر زمان وجود داشته باشد، امکان کسب بازدهی بیشتر از بازار وجود نخواهد داشت. بیش‌واکنشی زمانی رخ می‌دهد که سرمایه‌گذاران به یک خبر جدید، فراتر از اثر واقعی آن واکنش نشان می‌دهند. برای مثال، اگر شرکتی خبر از افزایش سودآوری در یک فصل بدهد، سرمایه‌گذاران ممکن است چنان خوشبین شوند که سهام آن شرکت چندین برابر ارزش بنیادی‌اش رشد کند. همچنین در سمت منفی، یک خبر سیاسی منفی، می‌تواند به گونه‌ای تفسیر شود که صف‌های سنگین فروش شکل بگیرد و سهام با قیمتی کمتر از ارزش واقعی معامله شود.

در اِسن میان، سوگیری‌های شناختی متعددی نقش‌آفرین هستند. سوگیری تاریگی موجب می‌شود، افراد به اطلاعات اخیر بیش از گذشته وزن بدهند. به عبارت دیگر صرفاً اطلاعات اخیر منتشرشده برای بازار اهمیت ویژه‌ای خواهد داشت. سوگیری در دسترس بودن سبب می‌شود، رویدادهای پررنگ رسانه‌ای اهمیت بیشتری از واقعیت پیدا کنند. واکنش بیش از حد نسبت به اخبار و شایعاتی که اغلب آنها به واقعیت نخواهند پیوست. سوگیری تأییدی باعث می‌شود که سرمایه‌گذاران بیشتر به دنبال اخباری باشند که باورهای قبلی‌شان را تأیید کند. مجموع این سوگیری‌ها ساختاری فراهم می‌کند که در آن اخبار مثبت یا منفی بزرگ‌نمایی شده و به نوسانات شدید بازار منجر می‌شوند. این همان چیزی است که در ادبیات مالی رفتاری تحت عنوان بازگشت به میانگین نیز مطرح می‌شود؛ یعنی پس از واکنش‌های افراطی اولیه، بازار به مرور زمان به سمت ارزش‌های بنیادی یا واقعی یا به اصطلاح تعادل بازار بازمی‌گردد.

توضیح این مفاهیم از آن رو اهمیت دارد که نشان می‌دهد حتی در غیاب تغییرات واقعی و بنیادین در اقتصاد، بازار می‌تواند صرفاً بر اساس روان‌شناسی جمعی دچار تغییرات بزرگ شود. این مساله نه تنها زیان‌های سنگینی برای سرمایه‌گذاران خرد به همراه دارد بلکه سیاست‌گذاران اقتصادی را نیز با چالش‌های جدی مواجه می‌کند؛ چراکه ثبات بازار سرمایه، بخشی از ثبات کلی اقتصاد است و هرگونه بحران اعتماد در این بازار می‌تواند، اثرات سرایتی شدیدی به سایر بخش‌ها وارد کند.



ادامه سرمقاله

نترسیم

آنان در آن جلسه، درهای ورود چین به توسعه را برای هیأت ایرانی در جلسه‌های مختلف تشریح کردند. در همان جلسه‌ها با هیأت ایرانی، روی دو مساله تأکید کردند. نخست اینکه آنان به ایرانی‌ها گفتند، قرار نیست چینی‌ها اگر با ایرانی‌ها روابط بگیرند، روابط‌شان را با آمریکا به‌هم بزنند چون از دید آنان عامل رشد و توسعه چین همان روابط و بازارهاست که تداوم یافته است. دوم اینکه ایرانی‌ها بهتر است، مسائل‌شان را با آمریکا و کشورهای همسایه‌شان حل کنند. آنان در همان جلسه‌ها به طرف ایرانی به طور صریح و روشن این پیام‌ها و توصیه‌ها را ابلاغ کردند.

عدم ارتباط با دنیا

چالش اصلی کنونی در اقتصاد ما که عامل محدودکننده کسب‌وکارهای ایرانی هم هست، نداشتن روابط با دنیا است. به طور مثال، یکی از بنگاه‌های ایرانی به دلیل مبادرت با چین، خواست در آنجا یک شرکت کشتیرانی تأسیس کند اما به دلیل تحریم‌ها و شرایط محدودکننده، نتوانست در چین شرکت ایرانی تأسیس کند. همان شرکت مجبور شد با گروه چینی مذاکره کند و به صورت مشترک با گروه چینی، سرمایه را در اختیار آنان قرار دهند که بتوانند با واسطه و از طریق امارات، حمل‌ونقل و دادوستد را به گونه‌ای به پیش ببرند که محموله بار ایرانی را از طریق بندر جبل علی (Port of Jebel Ali) امارات با هزینه‌های بالا و خواری و خفت بسیار دوباره به ایرانی‌ها تحویل دهند. همه این واسطه‌ها، هزینه‌ها و خواری و خفت‌ها به دلیل شرایط تحریم است. یادم می‌آید در یک سالگی راه‌اندازی همان شرکت که معرفی گذاشته بودند، جوان ۳۵ ساله چینی که مدیریت و شریک مجموعه بود، برنامه‌هایش را برای ما که به آن جلسه رفته بودیم، تشریح کرد و دقیقاً همانند آن تاجر و بازرگان در حکایت گلستان سعدی، به ما نشان می‌داد که چگونه تجارت و دادوستد را در ۸ نقطه بزرگ دنیا انجام می‌دهد.

به همین دلیل دوباره یادآوری می‌کنم، نخستین عامل محدودکننده این است که روابط معمول و عادی ما با دنیا مختل شده است. در این شرایط روابط مختل‌کننده ما با دنیا، تنها کاری که می‌توانیم با این میزان از منابع عظیم نفتی، معدنی و فولادی انجام بدهیم، فروش بخشی از کالاها و محصول‌هایمان با هزینه‌های بالا است که اساساً صرفه اقتصادی ندارد. فقط یک نمونه از این منابع‌مان را در نظر بگیرید. صنایع ملی مس ایران، سومین شرکت بزرگ مس در دنیا است. برخلاف بسیاری از معادن و سنگ‌آهن یا سنگ‌های زینتی که بسیاری از کشورها همانند استرالیا، شیلی یا کشورهای آمریکای لاتین دارای منابع عظیم مشابه آن هستند، ایران در حوزه مس یکی از سرآمدترین کشورهاست که ذخایر قابل توجهی دارد و صنایع ملی مس ایران از این حیث، سومین شرکت بزرگ دنیا است. اما آیا تولیدکنندگان ایرانی (صنایع ملی مس ایران) مانند شرکت کی‌بل عربستان سعودی (Saudi Arabian Cawabel Compa-ny) می‌تواند، قراردادهای بلندمدت (Long Term Contract) با شرکای خارجی منعقد کند یا اینکه می‌تواند با نرخ ارزان تأمین مالی کند و جذب سرمایه داشته باشد؟ متأسفانه در این شرایط این اتفاق‌ها شدن نیست.

نتیجه اعتماد چیست؟

البته امیدوارم شرایط حال حاضر خیلی طول نکشد و واقعیت‌های تلخ اقتصاد ایران، مدیران نظام جمهوری اسلامی را به این نتیجه برساند که در دنیای امروز، مفاهیمی همانند «اقتصاد»، «تجارت»، «روابط بین‌الملل»، «اعتبار جهانی»، «ریسک پایین»، «سرمایه»، «بازار» بسیار مهم‌اند. نمی‌دانم چقدر قرار است، ملت ایران به دلیل اینکه به روحانیت شیعه و مرجعیت شیعه اعتماد کرده، شرایط سخت را از سر بگذرانند. از آغاز جریان نهضت‌های سیاسی و اجتماعی در ایران از دوران مشروطیت تا انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ قاطبه و اکثریت سیاسیون و مردم ایران به روحانیت و مرجعیت تقلید اعتماد کردند. نظام جمهوری اسلامی مولود همین اعتماد مردم و انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ است. به همین دلیل به باورم باید پاسخ شایسته و مناسبی به مردمی که به روحانیت و دین‌گرایی دارند، داده شود. همین مردمی که با وجود همه فشارهای ناشی از تحریم‌ها که در همه این ۴۵ سال به زندگی‌شان وارد شد و در ۷ سال گذشته، سفره‌هایشان متأثر از متوسط تورم بالای ۴۰ درصد کوچک‌وکوچک‌تر شد، ایستادگی کردند. حتی در همین جنگ تحمیلی ۱۲ روزه دشمن صهیونیستی و آمریکایی‌های خبیث علیه سرزمین‌مان ایران که فرض کردند با حمله برق‌آسا و شهادت فرماندهان نظامی می‌توانند مردم را به خیابان بیاورند و نظام جمهوری اسلامی را ساقط کنند این مردم بودند که پاسخ

بررسی تحولات اقتصادی



قدرت آفندی و پدافندی و توان پهبادی و موشکی خودش را به رخ دنیا بکشد. همین چین به دلیل قدرت اقتصادی و نظامی توانست از تایلند عقب نماند و هنگ‌کنگ را پس از ۱۰۰ سال پس بگیرد. چین امروز در مقابل خواسته‌های آمریکا می‌تواند، بایستد و البته قدرت ایستادگی را هم دارد. مساله هنگ‌کنگ برای چین مانند مساله قفقاز برای ما بود. ما هم در قرارداد ترکمانچای، بخشی از قفقاز را به مدت ۱۰۰ سال واگذار کرده بودیم. چینی‌ها چون قدرت داشتند این مساله را توانستند، طرح کنند و پس از ۱۰۰ سال هنگ‌کنگ را دوباره باز پس گرفتند. اما ما قدرتش را نداریم که آن را پس بگیریم.

اشتباهات ما و آمریکا

ما باید در روی‌آوری و نگاه به شرق دقیقاً بدانیم آنها چطور با حفظ اصول و استقلال توانستند روابط تجاری و بین‌المللی‌شان را اصلاح کنند و ترمیم دادند و شرایط را برای دروازه‌های توسعه باز گذاشتند. باید به دنبال درک این مساله باشیم که چرا ما نتوانستیم با آمریکا ارتباط برقرار کنیم. آمریکایی‌ها البته در مقاطعی همانند تجربه ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با کودتا علیه دولت محمد مصدق به ما ضربه زدند و ما هم در مقاطعی همانند اشغال سفارت آمریکا در آبان ۱۳۵۸ که منطق سیاسی و حقوقی در کار نبود، اشتباه‌هایی را مرتکب شدیم. در هر صورت مطابق عرف بین‌الملل، سفارت هر کشوری به منزله خاک آن کشور تلقی می‌شود. ما حق نداشتیم که دیپلمات‌های آمریکایی را به مدت ۴۴ روز گروگان بگیریم و آن اتفاق‌هایی که ضرورتی هم نداشت، اتفاق بیفتد. اگر نمی‌خواستیم با آمریکا ارتباط برقرار کنیم، می‌توانستیم با آنان قطع رابطه کنیم و فرصت خروج را به دیپلمات‌ها بدهیم که از کشور خارج شوند یا اینکه روابطمان را با آنها تعلیق می‌کردیم. ما هم اشتباه‌های بسیاری داشتیم. همان زمان که آمریکایی‌ها به عراق آمدند و با کمک متحدانشان، نظام بعثی عراق و شخص صدام حسین را ساقط کردند چون صدام به ما در جنگ ۸ ساله تحمیلی بسیار لطمه وارد کرد. آن زمان به متحدان ما در عراق، اکثریت بزرگ شیعیان عراق و کردها که متحدان شیعیان بودند، بسیار کمک کردند و آن گروه‌ها هم روابط خوبی با ما داشتند. زمانی که صدام حسین کویت را اشغال کرده بود و همزمان آرزوی سرنگونی صدام را داشتیم، آمریکا توانست، دشمن بزرگ ما در غرب را ساقط کند و حتی در شرق نیز طالبان را از سر راه برداشت که به باورم اتفاق مهم‌تر از عراق بود. طالبان از قندهار شروع کردند و به هرات که حیاط خلوت ما ایرانی در طول تاریخ بود، رسیدند و بعد به راحتی کابل و مزارشریف را هم گرفتند. به قدری به سرعت پیشروی کردند که ما هم نتوانستیم جلوی پیشروی آنان را بگیریم. با ساقط شدن طالبان، دولت تشکیل شده در افغانستان براساس قانون اساسی‌اش به زبان فارسی به عنوان زبان رسمی و جایگاه شیعه اهمیت قائل شد. آمریکا این دو کار را در سمت غرب و شرق انجام داد که هر دو به نفع ما بود. ما باید به گونه‌ای در روابط با جهان گام برداریم که هیچ کشور خارجی نتواند، عزت و استقلال ایرانی را مورد توهین قرار دهد یا اینکه آن را دستخوش تغییر قرار دهد. چراکه ایرانی‌ها درباره ناموس سرزمین‌شان با کسی تعارف ندارند. پرسش اصلی ما باید این باشد آیا ما با حفظ اصول و مانند چینی‌ها نمی‌توانیم عمل کنیم و تجارت با آمریکایی‌ها را از سر بگیریم و روابط اقتصادی را پی‌ریزی کنیم که بتوانیم تکنولوژی را هم به ایران بیاوریم؟ مسلماً پاسخ به این پرسش مثبت است. ما نباید از خودمان بترسیم. متأسفانه ما از خودمان می‌ترسیم. ما اگر ضعیف باشیم از گفت‌وگو هراسی نداریم. از تعامل نمی‌ترسیم و سعی خواهیم کرد، تجربه تلخ و شیرین ۴۵ ساله را (هم دوران رونق و هم دوران زمین‌گیر شدن را داشته‌ایم) در راستای بهبود اوضاع به کار بندیم. با این حجم از نیروی متخصص، جوان، نخبه، دانشگاهی و تحصیل کرده می‌شود، ایرانی را پایه‌ریزی کرد که با لحاظ منافع ملی، ایران را سربلند کنیم.

* سخنرانی در دانشکده محیط‌زیست دانشگاه تهران
با عنوان تجارت و داد و ستد در آینده حکمرانی ایران

شایسته‌ای به آنان دادند و در کنار نظام ایستادند. آیا این مردم با چنین خصوصیت‌ها و ویژگی‌های مثال‌زدنی، شایسته قدرتدانی نیستند؟ آیا این مردم شایسته و حق ندارند، زندگی شایسته‌ای داشته باشند؟

تجربه هاشمی و خاتمی

البته ایران در دوره سازندگی مرحوم هاشمی‌رفسنجانی، تجربه بسیار خوبی را از سر گذراند یا در دوره آقای سیدمحمد خاتمی، دوره‌ای ترکیبی از توسعه سیاسی و اقتصادی را از سر گذراند. یادم می‌آید در دوره آقای حسن روحانی (قبل از انعقاد معاهده برجام) سوار یک خودرو سواری شده بودم که راننده آن خودرو، جوان اصولگرایی بود که دائماً همه دولت‌های آقای هاشمی و خاتمی را به شدت نقد می‌کرد اما با همه این اوصاف در پایان صحبت‌هایش گفت که او در دوره آقای خاتمی، توانسته بود هم ازدواج کند، هم خودرو خریداری کند و هم واحد مسکونی بخرد. خود آن جوان تأکید می‌کرد که در این دوره (دوره آقای روحانی) کسی را نمی‌شناسید که بتواند حداقل یکی از این سه کار (ازدواج، خرید خودرو یا مسکن) را انجام دهد. می‌خواهم از زاویه مذهبی و از زاویه کسی که با افتخار، مقلد امام خمینی و آقایان بهشتی، خامنه‌ای، هاشمی بودم درباره یکی از جلسه‌های مصاحبه‌ام با دفتر نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای که به صورت ۲۱ جلسه دو ساعتی انجام شد، صحبت کنم. در آن جلسه طرف مصاحبه‌کننده از بنده پرسید با وجود اینکه شما چپ و طرفدار مهندس میرحسین موسوی بودید اما سفر آیت‌الله خامنه‌ای به کرمان یکی از بهترین سفرها بود؟ در آن زمان بنده مدیر سفر کرمان بودم. در آن زمان بسیاری از استاندارها چپ بودند و برخی از استاندارها هم به رئیس‌جمهور وقت (آیت‌الله خامنه‌ای) کم عنایتی داشتند. آن زمان شعار ما درود به سه یاور امام یعنی دو سیدحسینی (آیت‌الله خامنه‌ای و سیداحمد خمینی) و آقای هاشمی بود.

نتیجه ۴۵ سال حکمرانی

اما اکنون می‌گویم که مهم‌تر از یاوران امام و مهم‌تر از نظام، این مردم هستند که به عنوان ولی‌معتان ما باید به آنها خدمت کنیم. چراکه ریاست را به دست ما دادند و به باورم بعد از ۴۵ سال حکمرانی باید وضع واقعی را برای آنان تشریح و در مسیری حرکت کنیم که مردم عزیز در این زمانه کرامت داشته باشند. همین حالا تاجر و دانشجوی مسا در مالزی نمی‌تواند، حساب بانکی گشایش کند و سه یا چهار سال زمان می‌برد که بتواند امور بانکی و مالی‌اش را پیش ببرد. بدون رفع این مشکلات و چالش‌ها، تجارت و کسب‌وکار با دنیا معنا ندارد. ما در شرایط کنونی تجارت به آن معنا، که تاجر ما بتواند کالای خودمان را از کشوری به کشور دیگر ببرد و با سود آن را بفروشد، نداریم. همین بندر جبل علی امارات با کشور ۸ میلیون نفری، توان تخلیه ۱۵۰ میلیون تن بار را دارد. بندر چابهار ایران که جزو تحریم‌ها هم نیست تنها توان ۴۰۰ هزار تن بار را دارد. این مواردی است که در حوزه تجارت با آنها درگیر هستیم و من بر این باورم بعد از ۴۵ سال تجربه باید بتوانیم به جمع‌بندی برسیم و به راهبردهای جدید در این باره فکر کنیم.

تجربه چین

ما باید همان مسیری را برویم که چینی‌ها هم برای توسعه آن را طی کردند. لزومی ندارد که ما در روابط‌مان با جهان، نگاه به شرق را از دست بدهیم و به غرب تکیه کنیم بلکه ما باید برای حداکثر کردن منافع ملی ایران هم به غرب و هم به شرق، نگاه متعادل و متوازن داشته باشیم. نگاه ما به شرق نباید تنها این مساله باشد که بتوانیم از آنها نیازمندی‌هایمان را تأمین کنیم بلکه باید درک و فهم این مساله نیز باشد که آنان چه مسیری را طی کردند و چه اقدام‌هایی انجام دادند که نتوانستند، قدرت امروز جهان باشند. همین چین را نگاه کنید که به مناسبت ۸۰ سالگی پایان جنگ جهانی دوم و شکست امپراتوری ژاپن چگونه قدرتمند شده که توانست با آن مانور نظامی منظم و سنگین،

کافه بی کافه

عضو شورای شهر قم: به کافه جدید نیاز نداریم

پلمپ نیدکافه

چندی پیش در تهران نیز نیدکافه در خیابان نیناواران تهران که قصد داشت، برنامه‌ای با عنوان «ایونت دختران موتورسوار» برگزار کند، پلمپ شد. در پست‌های شبکه‌های اجتماعی کافه اعلام شده بود که این برنامه، روز جمعه ۱۴ شهریور برگزار می‌شود و در آن علاوه بر حضور دی‌جی، دو جایزه نقدی ۱۰ میلیون تومانی برای شرکت‌کنندگان در نظر گرفته شده است. تنها یک روز پیش از برگزاری، تصویر برجسب «توقف موقت فعالیت» با آرم پلیس در صفحه اینستاگرام نیدکافه منتشر شد و از مخاطبان خواسته شد که در روز رویداد به محل مراجعه نکنند. مسئولان انتظامی در توضیح این اقدام اعلام کردند که فردی بدون داشتن پروانه کسب، اقدام به افتتاح کافه کرده و با پخش موسیقی زنده و انجام اقداماتی خلاف ارزش‌های اخلاقی مراسمی برگزار کرده بود؛ بنابراین کافه به دستور پلیس پلمپ و برای متصدی آن پرونده قضایی تشکیل شد.

پلمپ شعبه یوسف‌آباد کافه لمیز

چند هفته قبل از ماجرای نیدکافه، شعبه یوسف‌آباد کافه لمیز - یکی از معروف‌ترین زنجیره‌های کافه در تهران - به طور ناگهانی پلمپ شد. صفحه منتسب به این کافه در اینستاگرام اعلام کرد که روز سه‌شنبه ۷ مرداد ماه این شعبه «در پی معرفی محصولی جدید همراه با برگزاری مهمانی تابستانی» توسط مراجع ذی‌ربط پلمپ شده است. این مهمانی تنها چند روز پیش‌تر در تاریخ ۳ مرداد با عنوان «سامر پارٹی» برگزار شده بود و ویدیوهای آن به سرعت در فضای مجازی وایرال شد. گفته می‌شود همین ویدیوها دلیل اصلی پلمپ بوده‌اند.

گروه اجتماعی: علی‌فرامرز، رئیس پلیس نظارت بر اماکن عمومی استان قم اعلام کرد که یک واحد صنفی به دلیل افتتاح بدون مجوز و برگزاری مراسمی همراه با موسیقی زنده پلمپ شده و برای متصدی آن پرونده قضایی تشکیل شده است. او تصریح کرد که این واحد صنفی «به دلیل عدم رعایت قوانین و مقررات» پلمپ شده و مطابق مصوبه شورای تأمین امنیت استان، دیگر هیچ‌گونه مجوز فعالیت به‌عنوان کافه در قم صادر نخواهد شد؛ مگر آنکه رسته صنفی خود را تغییر دهد.

ایسن تصمیم واکنش‌های بسیاری برانگیخت. فرهاد مسگری، عضو شورای شهر قم، اظهار کرد که در سال‌های اخیر برخی کافه‌ها بدون مجوز فعالیت می‌کردند و رعایت نکردن ضوابطی مانند پوشش، حجاب یا پخش موسیقی باعث پلمپ شدن آنها شده است.

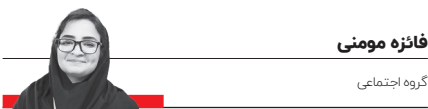
او با اشاره به اینکه قم نیاز به کافه جدیدی ندارد، گفت تصمیم عدم صدور مجوزهای جدید براساس مصوبات قانونی استان اتخاذ شده و ارتباطی به شورای شهر ندارد. این سخنان در شبکه‌های اجتماعی با طنز همراه شد؛ برخی کاربران از قم به عنوان «ایالت خودمختار» یاد کردند و پرسیدند چگونه می‌توان بدون صدور مجوزهای جدید، تقاضای گسترده جوانان برای فضاهای فرهنگی را مدیریت کرد.

در ماه‌های اخیر، گزارش‌های متعددی درباره پلمپ کافه‌ها و رستوران‌ها در نقاط مختلف کشور منتشر شده است. این پلمپ‌ها به دلایل متعددی - از معرفی یک نوشیدنی جدید تا برگزاری رویدادهای فرهنگی یا نبود مجوز صنفی - انجام شده‌اند و موجی از انتقاد و طنز را در شبکه‌های اجتماعی برانگیخته‌اند.

قضائی

محروم از عفو

با وجود توبه تتلو قوه قضائیه او را از مشمولان عفو رهبری ندانست



فائزه مومنی

گروه اجتماعی

قوه قضائیه در واکنش به گمانه‌زنی‌های چند روز گذشته اعلام کرد که امیرحسین مقصودلو، مشهور به تتلو، مشمول عفو معیاری اخیر رهبری نمی‌شود. به گفته این نهاد، همان‌طور که پیش‌تر نیز توضیح داده شده بود، مسیر رسیدگی به پرونده تتلو و بررسی امکان عفو او از حکم اعدام، مسیری مستقل و متفاوت از عفوهای معیاری است. عفو اخیر که در ۱۷ ربیع‌الاول اعلام شد شامل جمع گسترده‌ای از محکومان شد اما افرادی که مرتکب جرایم مستوجب مجازات حدی شده‌اند، در این فهرست قرار نگرفتند.

بر اساس توضیحات مرکز رسانه قوه قضائیه، پرونده تتلو همچنان در حال بررسی است اما این بررسی در قالب درخواست توبه و عفو خاص جریان دارد، نه عفو معیاری که به صورت گسترده در مناسبت‌های مذهبی یا ملی اعطا می‌شود. در واقع حتی اگر توبه او پذیرفته شود، مسیر لغو یا تخفیف حکم، منوط به تصمیم رئیس قوه قضائیه و در نهایت درخواست از رهبر انقلاب خواهد بود.

پذیرش توبه در دادگاه و ارجاع به قوه قضائیه

وکلاي تتلو پیش‌تر خبر داده بودند که دادگاه کیفری یک استان تهران درخواست توبه او را پذیرفته است. مجید نقشی، وکیل پایه‌یک دادگستری او، تأیید کرده بود که این پذیرش به معنای احراز «توبه قلبی» مولکش بوده و همین امر باعث شده، پرونده در تاریخ ۹ شهریور به حوزه ریاست قوه قضائیه ارسال شود. مطابق ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی، در جرایم مشمول حدود، دادگاه می‌تواند در صورت توبه واقعی محکوم، اجرای مجازات را متوقف یا تخفیف دهد اما در برخی موارد حساس، این موضوع منوط به تأیید رئیس قوه قضائیه سپس درخواست عفو از رهبر انقلاب است.

پیشینه پرونده و حواشی زندان

امیرحسین مقصودلو ملقب به تتلو، متولد ۱۳۶۶ در تهران از دهه ۸۰ خورشیدی با موسیقی رپ فعالیت می‌کند و به خاطر



رویدادهای مشابه در مشهد

پیش از پرونده‌های تهران و قم، شهر مشهد شاهد برخوردهای مشابهی با کافه‌ها بود. مدت‌ها پیش در مشهد اعلام شد که دو کافه از جمله «دوسلی» و «اون‌گوگ» به دلیل رعایت نکردن حجاب اجباری پلمپ شدند و در برخی موارد برای کارکنان و مشتریان پرونده قضایی تشکیل شد. در یک گزارش دیگر، اشاره شده که سه کافه از جمله «کافه بیکری» و «کافه رستوران تک» پلمپ شدند؛ علت پلمپ، نداشتن مجوز رسمی یا پخش موسیقی زنده و عدم رعایت حجاب عنوان شد.

اقتصاد جنگ‌زده و آسیب به کسب‌وکارهای کوچک

این برخوردها در حالی رخ می‌دهند که اقتصاد کشور پس از جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل و پیامدهای آن در شرایط بسیار دشواری قرار دارد. بازار سهام برای دو هفته تعطیل شد و بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی متوقف شدند. کارشناس بازار سرمایه، برزو حق‌شناس، تعطیلی بورس در جریان جنگ اخیر را «کم‌هزینه‌ترین اقدام ممکن» دانسته و معتقد است که بسته حمایتی دولت تنها نقش یک مسکن موقت را داشته و رونق واقعی به معاملات نداده است. در چنین شرایطی تعطیلی واحدهای صنفی کوچک - که بسیاری از آنها با سرمایه شخصی و وام‌های خرد ایجاد شده‌اند - می‌تواند ضربه‌ای جبران‌ناپذیر به معیشت افراد وارد کند. هر بار پلمپ، برابر است با از دست رفتن سرمایه، بیکاری بارستاها و آشپزها و کاهش اعتماد عمومی به فضای

شرایط جسمی و روانی تتلو

حواشی پرونده قضایی تتلو تنها به جنبه‌های حقوقی محدود نشد. در خرداد ماه امسال خبر خودکشی او در زندان منتشر شد. خبرگزاری فارس نوشت که او در زندان با مصرف قرص اقدام به خودکشی کرده و بلافاصله به بیمارستان منتقل شده است؛ تا‌بناک هم گزارش داد، تتلو بامداد جمعه ۹ خرداد ماه به خاطر این اقدام در بیمارستان بستری شد. روزنامه هفت صبح نیز از وخامت حال جسمی او نوشت و این خودکشی ناموفق را به «ناامیدی از عفو» نسبت داد. مرکز رسانه قوه قضائیه به‌طور رسمی خبر «مسمومیت» تتلو را تأیید و اعلام کرد پس از انتقال به بیمارستان، وضعیت او تحت مراقبت پزشکان قرار گرفته و حال عمومی او مساعد است.

شایعات و اخبار ضد و نقیض درباره انگیزه اقدام تتلو دست به دست می‌شد. نزدیکان او در شبکه‌های اجتماعی می‌گفتند، وی از بلاکلیفی پرونده عصبی است. به نقل از منابع خبری نزدیک، تتلو در هفته‌های قبل به دلیل «بی‌نتیجه ماندن درخواست توبه و عفو» اظهار ناامیدی کرده و حتی خواستار اجرای حکم اعدام شده بود. خواهر تتلو نیز در این بحبوحه در صفحه اینستاگرام خود نوشت: «ما را بیخش که امیر تلوداری بلد نیستیم... نمی‌دانیم چطور باید او را درک کنیم». وکیل مدافع او می‌گوید که پس از اقدام خودکشی اخیر، مولکش تحت مراقبت روانپزشکی قرار گرفته است و توانسته حتی از یک روز مرخصی بهره‌مند شود. مجید نقشی افزود که تتلو «تا کنون یک سال‌وهشتم ماه در زندان» است و با وجود «بی‌قراری شدید» اعلام می‌کند، پرونده و حکم اعدام در مرحله اجرا ثبت شده اما خود این موضوع به معنای اجرای حکم نیست و این امکان وجود دارد که حکم تغییر کند. او همچنین تأکید کرده که هیچ شاکی خصوصی علیه تتلو وجود ندارد و رسیدگی فعلاً تنها با مدعی‌العموم ادامه می‌یابد. در نهایت اینکه بر اساس اعلام رسمی قوه قضائیه، امیرحسین مقصودلو (تتلو) مشمول عفو معیاری اخیر رهبری نمی‌شود. عفو معیاری به‌طور معمول با هدف کاهش جمعیت کیفری و در مناسبت‌های مذهبی یا ملی اعطا می‌شود و محکومان به جرایم حدی از شمول آن خارج هستند. به این ترتیب، تنها مسیرهای احتمالی برای تغییر حکم اعدام تتلو در دو حالت خلاصه می‌شود. نخست، عفو خاص که پس از پذیرش توبه و ارسال پرونده از سوی رئیس قوه قضائیه می‌تواند به درخواست از رهبر انقلاب منجر شود. این نوع عفو کاملاً شخصی و موردی است و ارتباطی با عفوهای عمومی ندارد. دوم، اعاده دادرسی تحت ماده ۴۷۷ آیین دادرسی کیفری که وکلای او ثبت کرده‌اند و در صورت پذیرش، پرونده بار دیگر در شعبه‌ای دیگر بررسی خواهد شد.

خبر

شهادت آتش‌نشان



مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی شهرداری مشهد گفت: در جریان حادثه دلخراش آتش‌سوزی کارگاه مبل‌سازی در بزرگراه بابانظر یکی از آتش‌نشانان فدakar شهر مشهد، آقای رضا

فخریان، معاون ایستگاه شماره ۱۸ آتش‌نشانی در عملیات اطفای حریق دچار حادثه شد و به شهادت رسید. آتشباد حمیدرضا کافی افزود: با تلاش نفس‌گیر همکارانش، پیکر بی‌جان این آتش‌نشان شهید از زیرزمین محل حادثه بیرون آورده و تحویل اورژانس شد. وی ادامه داد: جامعه بزرگ آتش‌نشانان کشور و مشهد، عروج شهادت‌گونه این قهرمان بی‌ادعا را به خانواده محترم ایشان و خانواده بزرگ آتش‌نشانی تسلیت می‌گوید.

گزارش ویژه

رونمایی از تکنولوژی eSIM برای اولین بار در ایران توسط همراه اول

همزمان با رونمایی نسل جدید گوشی‌های آیفون، همراه اول از آمادگی خود برای ثبت‌نام جهت عرضه eSIM برای اولین بار در ایران خبر داد. به گزارش مرکز ارتباطات، توسعه برند و رویدادهای بین‌المللی همراه اول، همراه اول به عنوان نخستین و بزرگ‌ترین اپراتور تلفن همراه کشور همزمان با رونمایی نسل جدید گوشی‌های آیفون (iPhone 1۷ Pro، ۱۷ و iP- honeAir) خبر از آماده‌بودن زیرساخت‌های خود و انجام پیش‌ثبت‌نام برای عرضه سیمکارت الکترونیکی (eSIM) داد. به این ترتیب، مشترکان دارای گوشی‌های eSIM سایپورت همراه اول می‌توانند بدون نیاز به سیمکارت فیزیکی و تنها با فعال‌سازی eSIM از خدمات به‌روز و گسترده این اپراتور بهره‌مند و در قرعه‌کشی جوایز نفیس ویژه پیش‌ثبت‌نام کنندگان شرکت کنند. این نوآوری، اولین تجربه رسمی eSIM در ایران بوده و نشان می‌دهد همراه اول به عنوان اپراتوری پیشرو، خدمات دیجیتال خود را روزبه‌روز گسترده‌تر کرده و نقش پررنگ‌تری در زندگی دیجیتال مردم ایفا می‌کند.

